

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به نشمن دهیم

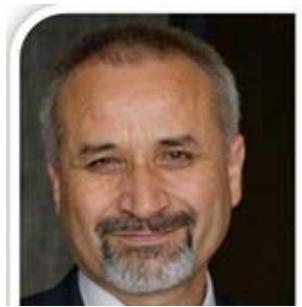
[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبي - فرهنگي

قيوم بشير هروي ملبورن – آستراليا  
٣١ اكتوبر ٢٠٢٠



## غم مخور

مردم مهمان نواز و پایداری داشتیم      باد آن روزی که دل های قراری داشتیم  
لشکر آزاده و با اقتداری داشتیم      هیچ کسی را جرأت دیدن به ملک مانیود  
پشت بام کاغذ پران و چرخه تاری داشتیم      فرصتی گر دست می داد نوجوانان گهگھی  
بايسکل و توپی و پارک زرنگاری داشتیم      عصرها از بهر تفریح با گروه دوستان  
مادر بس مهریان و غم گساری داشتیم      کس نبود در فکر نان و آب و یا چیز دگر  
شور و حال بس عجیب و هم وقاری داشتیم      کلبه ما داشت رونق از صفاتی همدلی  
خواهرانی مهریان و جان نثاری داشتیم      دختران دیگچه پزانی می نمودند بر اجاق  
کوکانی خوش بیان و گلعادزاری داشتیم      عده ای سرگرم جز بازی و پنجاق و طناب  
کشتزار گندم و هم شالی زاری داشتیم      نرگس و گل های خوشبو در گلستان وطن  
قندهاری بود و شهری پر اناری داشتیم      بود فزون ازصد نوع انگور روزی در هرات  
دشت های سرخ لاله در مزاری داشتیم      میله نارنج ما در شرق و لعمان پر شکر  
در تخارش جنگلات پسته زاری داشتیم      توت خنگانش چنین شیرین و طعمی چون عسل  
شهر کندز رانگر فصل شکاری داشتیم      عسقلانی، زرمتی، قندک همه شیر و شکر  
ما به هر سوی وطن صد افتخاری داشتیم      میوه های رنگ رنگ کشورم یک نعمت است  
سنگ شاه مقصود به شهر قندهاری داشتیم      در بدخشنان لعل و در پنجشیر زمرد بود فزون

مردم یک پارچه ای از هر تباری داشتیم  
قرغه و استالف و هم گل بهاری داشتیم  
همدلی بود و صفا بود و بهاری داشتیم  
چون بهشت صلح و آرامش دیاری داشتیم  
همچو آن روزی که مایان اعتباری داشتیم

از شمالش تا جنوب و شرق و غربش دلکش است  
روز های جمعه می رفتیم به پغمان قشنگ  
حروف های اختلاف آور نبود در زندگی  
از سیاست دور بودند مردم ما اکثراً  
غم مخور «قیوم» که بازگردد خروشان میهنت

"هروی" نوزدهم جنوری ۱۴۰۲